خبر

مستند «ایستاده در کنار تیمز» آماده نمایش شد

در آستانه نوزدهمین دوره جشنواره «سینماحقیقت»، پوستر مستند «ایستاده در کنار تیمز» به کارگردانی سید مصطفی موسوی‌تبار رونمایی شد.

به گزارش ایمنا، همزمان با حضور مستند «ایستاده در کنار تیمز» به کارگردانی سید مصطفی موسوی‌تبار و تهیه‌کنندگی زهره نجف‌زاده، محصول مرکز هنری رسانه‌ای نهضت و گروه تلویزیونی شاهد در بخش جایزه شهید آوینی در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» از پوستر این اثر رونمایی شد.

«ایستاده در کنار تیمز» به روایت زندگی و نقش تأثیرگذار شهید سید محمد صنیع‌خانی از شخصیت‌های برجسته و مبتکر دوران دفاع مقدس می‌پردازد؛ فردی که به‌عنوان بنیان‌گذار و فرمانده ترابری سپاه، تحولی بنیادی در حوزه پشتیبانی و لجستیک جنگ ایجاد کرد.

این پنجمین حضور سید مصطفی موسوی‌تبار در جشنواره «سینماحقیقت» است. وی پیش از آن با آثاری از جمله «آیت الله»، «رنج عاشقی»، «در جستجوی یک سرباز» و «۶۴۱۰ روز اسارت» در این جشنواره حضور داشته است که مستند «۶۴۱۰ روز اسارت» در بخش مستند چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر نامزد شد.

مستند «ایستاده در کنار تیمز» برای نخستین‌بار نوزدهم آذر ساعت ۱۵ در سالن ۱۰ و یکشنبه بیست‌وسوم آذر ساعت ۱۷:۳۰ در سالن ۳ پردیس سینمایی ملت به نمایش گذاشته می‌شود.

سایر عوامل این مستند عبارتند از مدیر فیلمبرداری: رضا اکبری، صدابردار: محمدحسین رادمهر، مشاورهنری: سید مصطفی سیادت، تدوین: رضا اکبری، صداگذار: میثم غلامی، پژوهش: زهره نجف‌زاده، اصلاح رنگ و نور: مهدی آگاهمنش، بازسازی هوش مصنوعی: سید مصطفی سیادت، آرشیو: وجیهه روستا و مطهره عدالتخواه، مدیر تولید: محمد جعفر میبدی، روابط عمومی: مینا دهقان.

سید مصطفی موسوی‌تبار یکی از کارگردانان جوان و خلاق سینمای ایران است که در سال‌های اخیر با نگاه متفاوت و رویکردی تجربه‌گرا توانسته توجه علاقه‌مندان و فعالان عرصه فیلم‌سازی را به خود جلب کند. او فعالیت هنری خود را از سنین نوجوانی با ساخت فیلم‌های کوتاه آغاز کرد و به‌مرور با شرکت در کارگاه‌های تخصصی، همکاری با گروه‌های هنری و تجربه در بخش‌های مختلف پشت‌صحنه، مسیر حرفه‌ای خود را شکل داد.

موسوی‌تبار در آثارش به موضوعات انسانی، اجتماعی و گاه فلسفی می‌پردازد و تلاش می‌کند روایت‌هایی بسازد که در عین سادگی، لایه‌های معنایی عمیقی داشته باشند. توجه ویژه به جزئیات بصری، فضاسازی دقیق، و استفاده هوشمندانه از موسیقی و رنگ از ویژگی‌های شاخص سبک او به‌شمار می‌آید. او علاوه بر کارگردانی، گاهی به‌عنوان نویسنده و تدوین‌گر نیز در پروژه‌های خود حضور دارد و همین چندوجهی‌بودن باعث شده نگاه کامل‌تر و منسجم‌تری به روند تولید فیلم داشته باشد. آثار موسوی‌تبار در جشنواره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و او را به‌عنوان فیلم‌سازی آینده‌دار معرفی کرده است. هدف او توسعه زبان شخصی خود در سینما و خلق آثاری است که بتوانند مخاطب را درگیر تجربه‌ای احساسی و فکری کنند.

چرا سریال آنام دوباره ترند شد؟

در روزهای اخیر، نام سریال آنام بار دیگر در شبکه‌های اجتماعی و جست‌وجوی کاربران اینترنتی دیده می‌شود. این سریال که نخستین‌بار در سال ۱۳۹۶ از شبکه سه سیما پخش شد، اکنون با گذشت چند سال، دوباره به یکی از پرجست‌وجوترین عناوین تلویزیونی تبدیل شده است.

به گزارش ایمنا، آنام یک مجموعه تلویزیونی ایرانی به کارگردانی جواد افشار، نویسندگی امیرعباس پیام و تهیه‌کنندگی اسماعیل عفیفه است که از ۷ بهمن ۱۳۹۶ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ از شبکه سه سیما پخش شده است.

تیتراژ پایانی این سریال با نام «گرداب» توسط احسان خواجه‌امیری اجرا شده‌است. این سریال در شهرستان کلیبر و روستای نوجه ده در آذربایجان شرقی و تهران فیلم‌برداری شده‌است. این سریال داستان زندگی زنی میانسال به نام مارال است که زندگی پر ماجرا و سختی را پشت سر گذاشته و با تکیه بر قدرت اراده‌اش توانسته خود و خانواده‌اش را به آرامش و آسایش برساند. اما برملا شدن یک راز این آرامش را از او سلب کرده و زندگی‌اش را دوباره دچار تلاطم بزرگی می‌کند. او در می‌یابد تمام کسانی که عاشقش بوده و دوستش داشته‌اند، جنایات بزرگی در حق او مرتکب شده‌اند؛ پس تصمیم می‌گیرد برای به دست آوردن هر آنچه که به ناحق از او گرفته شده، بجنگد.در حالی که بسیاری از سریال‌های تلویزیونی پس از یک یا دو سال از ذهن مخاطبان پاک می‌شوند، «آنام» توانسته جایگاه خود را حفظ کند. با بازپخش این سریال از شبکه آی فیلم روند جست‌وجوی کاربران نشان می‌دهد که علاقه به این سریال نه‌تنها کاهش نیافته بلکه با موج‌های مقطعی دوباره افزایش یافته است.کارشناسان رسانه سه دلیل اصلی برای این موضوع مطرح می‌کنند: داستان احساسی و مادرانه که با فرهنگ ایرانی هم‌خوانی دارد. بازی‌های قوی به‌ویژه از سوی بازیگران باسابقه همچون سیروس گرجستانی و مهرانه مهین‌ترابی. هویت بومی–فرهنگی سریال که بخش‌هایی از آن به زبان ترکی آذری و با حال‌وهوای محلی ساخته شده است.

فاصله نشانه تا حقیقت؛ خوانشی کوانتومی از نمایش «بازتاب»

اصفهان امروز
فهیمه سیاحیان

نمایش «بازتاب» به بازنویس و کارگردان لیلا پرویزی، تداعی‌کننده نقاشی معروف رنه مگریت است؛ «این یک چپق نیست». این نقاشی یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین آثار سوررئالیسم و فلسفه معاصر است. چرا مگریت زیر تصویر چپق می‌نویسد: این یک چپق نیست؟ چون «تصویر چپق» خود چپق واقعی نیست. مثل این است که به عکس یک شیر نگاه کنی و بگویی «این شیر است». نه، این نقاشی شیر است، نه شیر واقعی. این نقاشی هم یک «چپق» را نشان می‌دهد، اما خود چپق نیست.

جمله مگریت یعنی «این چیز یک چپق واقعی نیست، فقط تصویر آن است.» در واقع مگریت می‌خواهد فاصله بین نشانه و واقعیت را نشان دهد و بگوید تصویر یک شی واقعی نیست. نام یک شی هم واقعی نیست. زیرا همه اینها برساخته انسانی است. بنابراین جهان از «چیزها» ساخته نشده، بلکه از نشانه‌ها، کلمات، تصورات و بازنمایی‌ها ساخته شده و این‌ها همیشه از خود واقعیت جدا هستند. در نمایش بازتاب روی لباس شخصیت‌ها نوشته شده: دنیل این شکلیه. شکلی هم روی لباس هست. یا پاتریک این شکلیه...

در این نمایش هم به همین موضوع به گونه‌ای دیگر اشاره می‌شود؛ آنچه تو می‌بینی می‌تواند شکل دیگری داشته باشد. خانه می‌تواند دکور دیگری داشته باشد آن طور که تو تصور می‌کنی. شخصیت‌ها می‌توانند در خیال تو ساخته شوند. پس آنچه می‌بینی یک امر واقعی نیست و تو می‌توانی هرطور که بخواهی آن را تخیل کنی.

نمایش جدا از ساخت‌شکنی از واقعیت می‌تواند سطح درک مخاطب را از سطح اولیه به سطحی عمیق‌تر ببرد. یعنی می‌تواند به جای غرق کردن مخاطب در نشانه‌های ثابتی که از نمایش به سوی او پرتاب می‌شود، نشانه‌های سیالی را بگذارد تا مخاطب هرکدام را که خواست انتخاب کند و تجربه‌ای متفاوت را از سر بگذراند؛ تجربه غرق شدن در تخیل خودش نه تخیل گروه اجرایی. برای رسیدن به این مهم نمایش دو ابروضعیت می‌سازد؛ ابروضعیت معنایی و ابروضعیت روانی. ابروضعیت اصطلاحی ست در فیزیک کوانتوم که برای ذرات بنیادی به کار می‌رود. ابروضعیت می‌گوید همه وضعیت‌های ممکن می‌توانند همزمان وجود داشته باشند. اما اینکه کدام وضعیت به‌طور واقعی اتفاق می‌افتد، مربوط به احتمال وقوع است. احتمال قابل اندازه‌گیری است. نشانه‌های موجود احتمال یک وضعیت را پررنگ می‌کنند. در این صورت ابروضعیت فرو می‌پاشد و یک وضعیت شکل می‌گیرد. این فروپاشی به دست ناظر یا مخاطب انجام می‌شود. یعنی مخاطب است که نشانه‌ها را برمی‌گزیند و یکی از احتمال‌ها را پررنگ می‌کند. در نمایش بازتاب و در ارتباط با شخصیت‌ها این امکان وجود دارد که عکس دنیل روی لباس، خودِ دنیل باشد. امکان دارد آن عکس شخصیت دیگری باشد. امکان دارد آن تصویر نماد یا استعاره باشد. امکان دارد لباس، قهرمان را هویت‌گذاری کند. امکان دارد لباس فریبنده باشد و مخاطب را گمراه کند. امکان‌ها، فقط لیست حالت‌های ممکن‌اند. هیچ‌کدام هنوز واقعی نشده‌اند. در کوانتوم هم قبل از اندازه‌گیری، سیستم در تمام وضعیت‌های ممکن قرار دارد، مثل این‌که دنیل همزمان می‌تواند چند نقش باشد. احتمال یعنی کدام امکان بیشتر درست است؟ مثلن اگر روی لباس نوشته شده «دنیل این شکلیه»، احتمال اینکه تصویر روی لباس نمایانگر خود شخصیت دنیل باشد خیلی زیاد است.اگر کارگردان از قبل نشانه‌هایی داده باشد که «لباس‌ها نشانه هویت نیستند»، احتمال درست‌بودن این تفسیر کم‌تر می‌شود.

احتمال، مثل اندازه‌گیری در کوانتوم است: بین امکان‌ها انتخاب می‌کند و یک سناریو را واقعی‌تر نشان می‌دهد. مخاطب بر اساس نشانه‌ها، متن نمایش، رفتار کارگردان، بازیگران و اطلاعات صحنه، می‌تواند احتمال دهد کدام تفسیر به واقعیت نمایش نزدیک‌تر است. بنابراین مخاطب می‌تواند نقشی فعال‌تر در نمایش داشته باشد.

این یک ابروضعیت معنایی است؛ بازیگر دنیل می‌تواند خودش باشد، کسی را بازی کند، هویت اشتباهی داشته باشد یا نماد کسی باشد. نشانه‌های صحنه تعیین می‌کنند کدام هویت «بیشتر محتمل» است و مخاطب به کدام نتیجه می‌رسد.

در اینجا یک ابروضعیت روانی هم شکل می‌گیرد. در روان‌شناسی نقش‌ها، هر انسان چند هویت هم‌زمان دارد: نقش اجتماعی (مثلن درمانگر، مادر، دوست). نقش درونی (کودک، بالغ، منتقد درونی). نقش سایه (چیزی که پنهان می‌کند). نقش آرمانی (آن‌که می‌خواهد باشد)شخصیت‌ها در نمایش چند نقش را همزمان حمل می‌کنند: ۱. نقشی که خودشان ادعا می‌کنند.۲. نقشی که دنیا روی آنها می‌اندازد (عکس روی لباس؛ تصویری که دیگران از آنها دارند)

۳. نقشی که واقعا درونشان هست (آن چیزی که در بازی‌شان یا حرکاتشان فاش می‌شود)

۴. نقشی که کارگردان از آنها می‌خواهد (هویت انتسابی از سوی سیستم/فرهنگ/قدرت)

۵. نقشی که می‌ترسند باشند (چیزی که انکار می‌کنند، مثل سایه یونگی)

بنابراین در لحظه روی صحنه بودن، شخصیت‌ها در یک «ابروضعیت روانی» از نقش‌ها هستند. چند نقش با هم وجود دارند تا جایی که یک «موقعیت» باعث می‌شود یکی از نقش‌ها برجسته و واقعی شود. این همان لحظه فروپاشی ابروضعیت کوانتومی است.این بازی‌ها در ذهن آغاز می‌شود تا انسان را به جای فهم نمایش به درک نمایش برساند و لایه‌های مختلف ادراکی را فعال کند. اگر مخاطب تنها به شکار مضمون بپردازد سطح اولیه ادارکش را به فعالیت انداخته است اما اگر به چیستی اثر بپردازد و همراه با نمایش تخیل را فعال کند به سطح بالاتری از ادراک یعنی تخیل رسیده است. نمایش قصد دارد این اتفاق در مخاطب رقم بخورد و سطوح دیگری از ادراک یعنی تخیل فعال شود. به همین دلیل با وجود آنکه نمایش می‌تواند در فضایی رئالیستی ارایه شود از این کار سر باز می‌زند تا رویکردی متفاوت را ارائه دهد.

روایت زندگی هنرمند هنرهای تجسمی در نشست «این و آنِ اصفهان»

نشست «این و آنِ اصفهان»، مسیر هنری و پژوهشی مهدی تمیزی، هنرمند هنرهای تجسمی و نویسنده را از دشواری‌های هنرستان تا پروژه‌های نقشه‌نگاری و کتاب‌های کم‌حجم بررسی کرد.

به گزارش مهر، نخستین نشست از سلسله برنامه‌های «چهره‌های اصفهان» با عنوان «این و آنِ اصفهان» در شهر کتاب اردیبهشت اصفهان و به میزبانی علی خدایی، نویسنده و منتقد کتاب، برگزار شد. این نشست به بررسی زندگی و آثار مهدی تمیزی، هنرمند هنرهای تجسمی، پژوهشگر و نویسنده، اختصاص داشت و حضار را با مسیر حرفه‌ای او آشنا کرد؛ از روزهای پرچالش هنرستان هنرهای زیبای اصفهان تا خلق آثار در زمینه گرافیک، تصویرگری، کاریکاتور، عکاسی پژوهشی و پژوهش‌های میراث فرهنگی. تمیزی با شوخ‌طبعی خاص خود، درباره تولدش گفت: ۲۷ شهریور ۱۳۵۵ به دنیا آمدم، ولی تا هنوز از زایشگاه به خانه نرفته بودم، مادرم به پدرم گفته بود که بروید اداره ثبت و شناسنامه را یک سال زودتر بگیرد؛ آن زمان این کار را می‌کردند تا بچه یک سال زودتر برود مدرسه و یک چیزی بشود!؛ پدرم در طول مسیر، مسیر زندگی من را جابه‌جا کرد و ۲۷ مرداد ۱۳۵۶ گرفت، یعنی یک سال دیرتر، و شاید به همین دلیل بود که چیزی نشدم! او با بیان این‌که سال ۱۳۷۰ وارد هنرستان هنرهای زیبا شده است، افزود: قصد داشتم در رشته مجسمه‌سازی باشم؛ ولی همان سال، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به دست کسی رسید که نه از هنر چیزی می‌فهمید و نه از فرهنگ چیزی می‌دانست. رشته مجسمه‌سازی را بستند و برخی از مجسمه‌ها را هم شکستند. همان سال، مشکل‌های بسیاری پیش آمد؛ از هنرستان موسیقی گرفته تا کتابخانه هنرستان، که یکی از قدیمی‌ترین و نادرترین کتابخانه‌های هنر در ایران بود.

این هنرمند هنرهای تجسمی ادامه داد: در این شرایط، به رشته گرافیک رفتم و زیر نظر منصور دادمهر، استادی که هم هنر و تاریخ هنر از او آموختم و هم ادبیات و نگارش، دیپلم گرفتم. دوره‌ای عالی بود. فراتر از آن‌چه نامش دانشگاه است. عکاسی و چاپ آنالوگ را آموختیم. همچنین در کلاس‌های دیگر می‌توانستیم حاضر شویم و مینیاتور و نقشه‌قالی و کاشیکاری و منبت و معرق چوب و سرامیک بیاموزیم. حالا آن هنرستان دیگر این‌گونه نیست. شوربختانه، بلایی به نام مدیریت ناکارآمد و غیرمتخصص، هنرستان را نیز نابود کرد.

او با تأکید بر این‌که نسل خودش، به سبب حضور در دوره انتقال آنالوگ به دیجیتال، یکی از خوش‌اقبال‌ترین نسل‌های تاریخ هستند، اظهار کرد: معتقدم همه هم‌نسل‌های من، یک اتفاق نادر را تجربه کرده‌اند؛ اتفاقی که نه پیشینیان دیده‌اند و نه آیندگان به این شکل با آن مواجه خواهند شد؛ ما دنیای آنالوگ را کامل لمس کردیم، در عکاسی، در گرافیک، در چاپ، اکنون نیز وارد دنیای دیجیتال شده‌ایم. این دگرگونی برای ما همچون رنسانس است. من از این‌که این دوره را دیده‌ام، خوشحالم. بچه‌های امروز، البته دانش و امکان‌های بسیاری در دست دارند، ولی در جهان عکاسی، طراحی، گرافیک، تصویرسازی و صفحه‌آرایی آنالوگ نبوده‌اند و لذت آن را درک نکرده‌اند.

تمیزی که فعالیت حرفه‌ای‌اش در گرافیک را از سال ۱۳۷۳ آغاز کرده، گفت: آن زمان نه کامپیوتر بود و نه امکان‌هایی که کاری چون صفحه‌آرایی را بشود با آن انجام داد. آن زمان، یک کامپوتر ساده‌ای بود و یک نرم‌افزار بسیار ابتدایی به نام زرنگار، که با آن تایپ می‌کردیم. سپس متن‌ها پرینت می‌شد، با قیچی دورتادورش چیده می‌شد و براساس آن ایده‌ای که برای یک صفحه یا دو صفحه روبه‌روی هم داشتیم، روی کاغذ دیگری می‌چسباندیم؛ تصویرسازی را نیز جداگانه انجام می‌دادیم و دربین متن‌ها جایی که لازم داشتیم، می‌چسباندیم. یک ابزاری هم بود به نام زیپاتون، که شبیه برچسب بود و از آن‌ها نیز در تصویرسازی، برای بکگراندها و به عنوان تکسچر استفاده می‌کردیم. در پایان، این صفحه‌های آماده شده به لیتوگرافی می‌رفت و پروسه چاپ برپایه امکان‌های آن زمان انجام می‌شد.

رسالتم را در تهیه و تولید کتاب‌های کم‌حجم گذاشته‌ام

او توضیح داد: پس از سال ۱۳۷۳ که نخستین آرم و جلد کتاب و پوستر را در آن سال کار کردم، از سال ۱۳۸۰ به عکاسی و دقیق‌تر بگویم، به عکاسی پژوهشی پرداختم. البته پیش از آن نیز در هنرستان و پس از آن، عکاسی می‌کردم، ولی پروژه‌ای روی دست نداشتم و از هر چیزی عکس می‌گرفتم. عکاسی از موتیف‌ها به ویژه نشانه‌هایی که در گورستان‌ها و آثار معماری بود را از همان سال ۱۳۸۰ آغاز کردم. ولی هیچ کدام از آثارم تا سال ۱۳۸۳ به کتاب تبدیل نشده بود. البته در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲، دو مجموعه کارت‌پستال از کاریکاتورهایم منتشر کردم؛ یکی به نام: هیچ جز بار سکوت، دیگری به نام: هفت؛ ولی به دلم نچسبید!.

تمیزی نخستین کتابش را سال ۱۳۸۶ برای وزارت نفت کار کرد. کتابی به گفته خودش: کم‌حجم و لاغر، با متنی نیمه طنز و نیمه جدی که اطلاعاتی درست از بهینه‌سازی مصرف سوخت را در خود جای داده بود و کتابی سراسر تصویرسازی شده با مینیاتورهای ایرانی بود. نامش «کتاب بهینه‌سازی مصرف سوخت» و در ۳۰۰۰ نسخه منتشر شد.

پس از آن نیز در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ دو کتاب کم‌حجم دیگر نوشت و تصویرسازی کرد. «راپورت‌های ملوکانه» که به طنزهای واقعی از دوره قاجار می‌پرداخت و «طنز و شوخ‌طبعی در کشکول شیخ‌بهایی»؛ هر دوی این کتاب‌ها در تیراژهای بالا از سوی نشر شهر منتشر شد. به گونه‌ای که کتاب طنز و شوخ‌طبعی در کشکول شیخ‌بهایی، فقط در چاپ چهارم با ده هزار نسخه منتشر شد.این نویسنده درباره کتاب‌های کم‌حجم و پر از تصویرسازی شده خود گفت: آن‌هایی که کتابخوان حرفه‌ای هستند، می‌دانند که باید چه انتخاب کنند و چه بخوانند؛ تعدادشان نیز بسیار نیست! مسئله من با کتاب نخوان‌ها و به‌ویژه کتابخوان‌های غیرحرفه‌ای است؛ آن‌هایی که هر کدام به نوعی از کتاب‌ها درشت، متن‌های زیاد و به‌ویژه کتاب‌های پرحجم هراس دارند. من دریافتم که رسالتی دارم برای این گروه از جامعه؛ این‌که به‌گونه‌ای آنها را جذب کتاب خواندن کنم و امیدوار باشم که راه را برای دوستی با کتاب پیدا کنند.

او با اشاره به دست‌یافت‌هایی در این مسیر، از کتاب دیگرش به‌نام «اصفهان به روایت جهانگردان دوره صفوی» یاد کرد؛ کتابی دو زبانه و همچنان تصویرگری شده، که گزیده‌ای است از روایت‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی درباره اصفهان. او بخشی از این کتاب را برای حاضران خواند و سپس توضیح داد که در پروسه تهیه و تولید این کتاب‌ها، متن را نیز به گونه‌ای سادمنویسی و دور از واژگان غیرایرانی و سخت‌خوانش می‌کند.

او درباره نحوه ساخت تصویرسازی‌ها افزود: آن‌قدر مینیاتورها و چاپ سنگی‌های ایرانی را دیده‌ام که اگر بخواهم برای حکایتی تصویرگری کنم، می‌دانم به طور مثال، از کدام فیگور، کدام جانور و یا کدام ساختمان در کدام نقاشی ایرانی برداشت داشته باشم و این‌گونه تصویرگری را به سرانجام می‌رسانم.

مهدی تمیزی با تأکید بر این که بسیاری از مشکل‌های امروز ایران، ریشه در خرافه‌های ساخته شده در دوران قاجار است، گفت: این چیزها هنوز در ذهن ما مانده و حتی اگر بخواهیم از ذهنمان دورشان کنیم، تهنشینش گرفتارمان می‌کند.

او گفت: هیچ چیز بهتر از آن نیست که با خواندن متن‌های درست تاریخی و خواندن تجربه‌های دیگران، سپس تحلیل موضوع و تطبیق آن با عقل و نیز دیگر متن‌ها، آگاهی خود و جامعه را بالا ببریم.

این پژوهشگر به کتاب دیگر خود به‌نام «محرم از نگاه گردشگران فرهنگی» اشاره کرد و گفت: این کتاب را نیز کم‌حجم و پرتصویر کار کردم. تصویرسازی‌هایی برگرفته از چاپ‌های سنگی که به قلم تصویرگر دوره قاجار یعنی علی‌قلی خویی برای ما به یادگار مانده است. متن‌ها نیز برگرفته از گزارش‌های غیرایرانیانی است که در روزهای محرم در ایران بوده‌اند و دیده‌ها و شنیده‌های خود را نوشته‌اند.

او ادامه داد: این کتاب با معرفی کوتاهی از روضه، دسته و تعزیه آغاز می‌شود و به نخستین گردشگری که از او نوشته‌ای از آئین محرم مانده می‌رسد؛ میکله ممبره، جهانگردی که در دوره شاه طهماسب صفوی در اصفهان بوده و آن آئین را دیده و نوشته است.

مدیریت بر موزه هنرهای معاصر اصفهان

این هنرمند هنرهای تجسمی درباره دوران مدیریت خود در موزه هنرهای معاصر اصفهان سخن گفت؛ دورانی که آن را یکی از پیچیده‌ترین تجربه‌های کاری خود دانست. تمیزی گفت: داستان‌ها و رویدادهای سال‌های خدمتم در موزه را از آغاز تا پایان نوشته‌ام. یادداشت‌هایی که شاید یک روزی منتشر کنم.

خبر

بلیت کنسرت دوباره گران شد

آخرین افزایش قیمت بلیت کنسرت‌ها زمانی بود که سقف قیمت بلیت کنسرت‌ها به یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان رسید اما اکنون برخی از کنسرت‌ها با سقف قیمت یک میلیون و ۹۰۰ هزار تا دو میلیون تومان هم به فروش می‌رسند.

به گزارش ایسنا، برگزاری کنسرت در تهران در چند ماه گذشته با فراز و نشیب‌های مختلف همراه بوده است؛ چراکه هر بار بنابر دلایل مختلف فعالیت یکی از سالن‌های برگزاری کنسرت برای مدتی متوقف می‌شد.

نخستین سالنی که خبر توقف مقطعی فعالیت آن منتشر شد، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی بود که به‌خاطر مسائل ایمنی و عدم تأییدیه آتش‌نشانی برای مدتی از دور برگزاری کنسرت خارج شد. در همان زمان اما شاهد افزایش برگزاری کنسرت‌ها در برج میلاد بودیم؛ زیرا سالن میلاد نمایشگاه یکی از سالن‌های مهم برگزاری کنسرت به شمار می‌رود و نبودن آن در بین سایر سالن‌های برگزاری کنسرت می‌تواند مشکلات جدی برای برگزارکنندگان کنسرت به وجود بیاورد.

درحقیقت زمانی که برگزاری کنسرت در این سالن متوقف شده بود، بسیاری گمانه‌زنی‌هایی در راستای افزایش قیمت کنسرت‌ها داشتند؛ زیرا معتقد بودند با کاهش گزینه‌های روی میز، درخواست برای سالن‌های دیگر بیشتر شده و آنها می‌توانند با استفاده از این موقعیت هزینه اجاره سالن خود را بالا ببرند و تهیه‌کنندگان هم چون چاره دیگری ندارند، موافقت می‌کنند و هزینه خرید بلیت بالا می‌رود.

با این حال طولی نکشید که سالن میلاد نمایشگاه باوجود اینکه گفته می‌شد، امکان دریافت این تاییدیه را به‌خاطر ساختار نقشه‌ای که دارد، ندارد، آن را دریافت کرد و بار دیگر در بین برگزارکنندگان کنسرت قرار گرفت.

اما پس از سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی، این بار شاهد توقف برگزاری کنسرت در برج میلاد بودیم. در حقیقت آبان‌ماه خبری مبنی بر لغو تمامی کنسرت‌ها از آذرماه در برج میلاد تهران منتشر شد که چندی بعد عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران، در یک نشست رسانه‌ای این خبر را کذب خواند و گفت که شهرداری به برگزاری برنامه‌های هنری در حوزه موسیقی ادامه خواهد داد و همین امر پاسخی به این شایعات بی‌اساس خواهد بود.

با این حال پس از این ادعای سخنگوی شهرداری تهران، تعداد محدودی کنسرت در برج میلاد تهران برگزار شد و عملا از آذرماه کنسرتی در این سالن مهم تهران برگزار نمی‌شود که همین امر مهر تاییدی است بر شایعاتی که شهرداری آنها را «بی‌اساس و بامزه» توصیف کرده بود.

و اما سالن دیگری که البته پیش از دو سالن نام‌برده همواره زمرمه‌های پایان فعالیتش به گوش می‌رسید، «وزارت کشور» است. درحقیقت ماجرای فعال نبودن این سالن به امروز و دیروز برنمی‌گردد و چند سالی می‌شود که این سالن بسیار کم‌کار شده است و حتی خبرهایی مبنی بر گزیده‌کار بودن این سالن منتشر می‌شد. بااین حال فعالیت این سالن هیچ‌گاه به طور کامل متوقف نمی‌شد و در برهه‌های زمانی مختلف شاهد فعالیت این سالن بودیم.

البته که بنابر آنچه تهیه‌کنندگان می‌گویند این سالن به علت اینکه جمعیت زیادی را در خود جای می‌دهد و پر کردن آن برای برخی از خوانندگان کار سختی است، چندان گزینه مورد ترجیح برگزارکنندگان نیست. چه بسا که این سالن باوجود دولتی بودن، تخفیفی برای اجاره سالن در نظر نمی‌گیرد و شرایط دسترسی به آن هم دشوار است؛ زیرا در زمان برگزاری کنسرت‌ها معمولاً ترافیک سنگینی در محدوده ایجاد می‌شود و نبود پارکینگ مشکل‌ساز است.

به هر جهت اما، جای خالی دو سالن مهم برگزاری کنسرت از جمله برج میلاد و وزارت کشور در نهایت کار خود را کرد و اکنون شاهد افزایش قیمت بلیت کنسرت‌ها تا یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان و بعضاً دو میلیون تومان هستیم. شاید اینگونه به نظر بیاید که با افزایش قیمت عواملی مانند ارز این افزایش قیمت‌ها ناگزیر بوده، اما نباید از این نکته غافل شد که حداقل حذف برج میلاد که در موارد بسیاری ترجیح برگزارکنندگان کنسرت بود، در این افزایش قیمت‌ها بی‌تاثیر نبوده است.

حال باید دید آیا حذف برج میلاد از فهرست میزبان‌های کنسرت، دائمی خواهد بود؟ آیا توقف فعالیت این دو سالن صرفاً تصادفی بوده یا ناخواسته زمینه‌ساز افزایش قیمت بلیت شده است؟و اینکه آیا در نهایت، باوجود تمام این مشکلات، مسئولان برای جلوگیری از ضرر بیشتر، این سالن‌ها را دوباره به جمع میزبانان کنسرت بازمی‌گردانند؟

به هر جهت اما، هر آنچه هم که رخ دهد، نتیجه روشن است؛ زیرا با هر افزایش قیمت بلیت کنسرت و همراه نبودن سالن‌ها با تهیه‌کنندگان که اتفاقا اکثر آنها دولتی هم هستند، کنسرت رفتن به مرور به یک آرزو و یا خاطره‌ای دوردست در ذهن قشر ضعیف و متوسط بدل می‌شود که همین امر موجب مرگ تدریجی برگزاری کنسرت در ایران خواهد شد.

کودکان را فقط سرگرم نکنیم؛ معنا بیاموزیم

شاعر کودک و نوجوان گفت: امروزه شاهدیم از نویسندگان حرفه‌ای کمتر بهره گرفته‌ایم و بسیاری از افراد برای ساده‌تر شدن کار به سراغ بازنویسی متون رفته‌اند.

آگهی فقدان سند مالکیت

۲۶۷۰– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۲۲۱۰۰۰۸۱۶۱ سند مالکیت ششدانگ پلاک ثبتی شماره ۵۱۰۲ فرعی از ۲۲۴۸ اصلی واقع در بخش ۶ ثبت اصفهان بنام جمشید رضائی خیرآبادی سابقه ثبت و صدور سند به شماره چاپی ۴۷۶۱۵۵ سری د سال ۹۳ بشماره صفحه ۳۶۳ دفتر ۴۵۴ بشماره ثبتی ۹۷۳۶۱ که به موجب سند انتقال قطعی بشماره ۳۸۰۷۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰۶ اصفهان به مالکیت نامبرده درآمده و سند صادر و تسلیم شده است و سپس نامبرده با ارائه درخواست کتبی به انضمام دو برگ استشهادیه که امضاء شهود آن ذیل شماره یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۰۳۳۴۰۰۰۱۶۳ و رمز تصدیق ۲۹۰۷۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶ که به گواهی دفترخانه ۲۳۳ اصفهان رسیده مدعی است که سند مالکیت آن بعلت نامعلوم مفقود گردیده و وی درخواست صدور سند مالکیت المثنی ملک فوق را نموده لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمائید تا مراتب صورت مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه کننده سند مسترد گردد بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد. حمیدرضا خسروی– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان ۲۰۶۹۲۴۷/م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

۲۶۷۹– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۲۰۰۹۰۰۲۳۹۳ نظر به اینکه آقای سید عزیزاله هاشمی شیخ آبادی فرزند سیدرضا شماره شناسنامه ۳۳ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۰۰۵۶۵ سری ت سال ۷۵ که در صفحه ۶۱ دفتر املاک جلد ۳ ذیل شماره ۳۴۲ ثبت گردیده است به استناد دو برگ استشهادیه که هویت و امضاء شهود رسما به شناسه یکتا ۱۴۰۴۲۱۵۷۳۷۷۰۰۱۱۴۲ رمز تصدیق ۵۰۹۵۲۸ دفترخانه ۴۳۶ مبارکه گواهی شده مدعی است که سند مالکیت با مشخصات مذکور مربوط به مغازه وضعیت خاص طلق پلاک ثبتی ۱۵۴ فرعی از ۷ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۸۶ فرعی از اصلی مذکور، واقع در بخش ۰۸ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک مبارکه استان اصفهان به مساحت ۱۶۵.۲ مترمربع ثبت و صادر و تسلیم گردیده بعلت نامعلوم مفقود گردیده درخواست صدور سند مالکیت المثني نموده لذا برابر ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس مدعی انجام معامله غیر از آنچه در این آگهی ذکر شده نسبت به آن یا وجود سند مالکیت مزبور نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا ۱۰ روز به این اداره مراجعه و اعتراض خود را کتبا ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید تا مراتب صورتمجلس و اصل آن به ارائه کننده مسترد گردد. اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود المثنای سند مالکیت مذکور صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد. مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مبارکه– مظاهر نصراللهی مبارکه ۲۰۶۹۳۸۹/م الف